



مولوی یوسف گرگیج، از علمای اهل سنت زاهدان
توسط ترور یست‌ها به شهادت رسید

ترور مولوی ملی

صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4709 | TUE.SEP.15, 2026 | ISSN:2008-2886

۱۳۲۲ سال و ۲۵ روز گذشت

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



دبیر کل سازمان ملل: جهان بیش از هر زمان دیگری
به بی‌طرفی آژانس نیاز دارد

کنایه گوترش به گروسی

صفحه ۲



شنبه ۲۴ شهریور ۱۴۰۳ | ۳ ربیع الثانی ۱۴۴۸ | ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۶ | سال هجدهم | شماره ۴۷۰۹ | صفحه ۱۰ هزار تومان

تیتراهای امروز



گزارش «وطن امروز» از وضعیت دشوار سعودی
برای تغییر معادله جنگ علیه یمن

استیصال ریاض!

صفحه ۳

چرا عربستان خواستار تعویق نشست عمان شد؟

داستان تعویق صلاکه

صفحه ۲

جریبه ۱۰ بانک متخلف و برکناری ۱۱ رئیس شعبه
در پی جابه‌جایی ۳۰۰ همت پول مشکوک

شوک

به تارکخانه پول

صندوق ارزی به مثابه ابزار حکمرانی پولی: تحلیل
شرایط لازم برای تحقق و توفیق آن

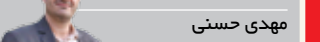
فرمول ثبات ارز

صفحه ۴

همه چیز

به سود انصار الله

نگاه



مهدی حسینی

جنگی که با هدف نابودی نظام اسلامی ایران آغاز شده بود و رئیس دولت تروریست آمریکا در توهم سرنگونی جمهوری اسلامی آن را ادامه داد، حالا به نقطه‌ای رسیده که آمریکایی‌ها هر روز ترامپ را بابت افتضاحات جدیدی که در آن خلق می‌شود، سرزنش می‌کنند. دیگر نکتتهای بحثی از نابودی جمهوری اسلامی نیست و حتی مساله از تنگه هرمز هم عدول کرده، بلکه دیگر بحث به مذاکره برای باب‌المنندب و انصارالله رسیده است. ماهنامه «آتلانتیک» به این موضوع پرداخته است. به گزارش رسانه آمریکایی، در حالی که شهروندان آن کشور در توهم دست برتر در جنگ علیه ایران بودند، ناگهان انصارالله آنان را از چرت بیدار کرد: «تا همین هفته گذشته، به نظر می‌رسید جنگ علیه ایران اندکی به سود آمریکا در حال تغییر مسیر است. حوثی‌ها زیر فشار قبای داخلی خود قرار داشتند و نیروی هوایی عربستان نیز آنان را به‌شدت بمباران می‌کرد اما این خیال‌ها مثل دود محو شد. نیروهای حوثی خطوط دفاعی دشمنان خود را شکستند و شهرها و جزایر اطراف تنگه باب‌المنندب را به تصرف درآوردند؛ یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های دریایی جهان».

به نوشته آتلانتیک، ترامپ نه‌تنها در رابطه با تنگه هرمز دستاوردی نداشت، بلکه تنگه دوم را هم به طور کامل از دست داد: «این شکست برای ترامپ که امیدوار بود کنترل تنگه هرمز را از ایران پس بگیرد، غافلگیری تلخی به همراه دارد. اکنون دشمنان او هر دو تنگه مهم منطقه را در اختیار دارند؛ ۲ آبراهی که در مجموع یک‌سوم محموله‌های نفتی جهان هر روز از آنها عبور می‌کند».

به باور این رسانه، این پیروزی استراتژیک حاوی ۲ پیام برای آمریکاست: اول توهم نابودی محور مقاومت و دوم ناتوانی آمریکا و متحدان عربش در کنترل میدان جنگ: «این تحول در عین حال بر یک واقعیت سرسختانه نیز تأکید می‌کند: با وجود همه ضربه‌هایی که «محور مقاومت» ایران طی یکی دو سال گذشته متحمل شده، نیروهای آن همچنان از شور ایدئولوژیک و روحیه جمعی بالایی برخوردارند؛ چیزی که در طرف مقابل به‌شدت کم‌رنگ است. ناتوانی کشورهای خلیج فارس در همکاری مشترک علیه حوثی‌ها فاجعه‌بار بوده و بازتابی است از شکست ترامپ در تدوین راهبردی منسجم، هماهنگ و قابل اجرا در برابر ایران».

ادامه در صفحه ۳



صفحه ۲

تلاش وزیر جنگ آمریکا برای سرپوش گذاشتن
بر شکست مفتضحانه عملیات اصفهان از طریق مصاحبه
خلبان F-15 مورد اصابت قرار گرفته به یک نمایش مضحک تبدیل شد

فرار به بالیوود

پایان ماه عسل ریاض و واشنگتن

و بی‌میلی آنان به رویارویی نظامی با یمنی‌ها و سپس ایران، مرده متولد شده و ریاض را بر آن داشته برای حل معضل مذکور، در مسیر گفت‌وگوی منطقه‌ای با ایران حرکت کند.

ب- پیآمدهای دگردیسی در سیاست خارجی و امنیتی ریاض

وقوع عملیات طوفان الاقصی را می‌توان نقطه عطفی در معادلات سیاسی - امنیتی غرب آسیا قلمداد کرد. سقوط حکومت بشار اسد در سوریه، پیشروی انصارالله در مناطق ساحلی، کشتار ۸۰ هزار فلسطینی در نوار غزه، تیرگی روابط ترکیه و رژیم، انسداد تنگه هرمز، سرزمین اشغالی، در کنار رخدادهای متعدد دیگر، از جمله پیآمدهای وقوع این عملیات به حساب می‌آید. با این حال، مهم‌ترین واقعه پساهفتم اکتبر را می‌توان مقاومت کم‌نظیر جمهوری اسلامی در مواجهه با ائتلاف آمریکایی صهیونیستی قلمداد کرد؛ رخدادی که به زعم ناظران منطقه‌ای، به دگرگونی سیاست‌ها و موازنه‌قوا در منطقه در سال‌های آتی منجر خواهد شد.

رویارویی مستقیم تهران با ائتلاف مذکور و پیامدهای آن بر امنیت شیخ‌نشین‌های منطقه موجب شده شیوخ محافظه‌کار منطقه که از زمان وقوع بیداری اسلامی مترصد فاصله‌گیری از واشنگتن بوده‌اند، اکنون در کشاکش تداوم تنش‌ها در منطقه و بی‌اعتنایی کاخ سفید به امنیت و مصالح آنان، در مسیر تجدیدنظر در سیاست‌های کلان خارجی و امنیتی خود گام بردارند. تلاش برای ترمیم روابط با تهران و ایجاد مفاهمه با جمهوری اسلامی به منظور رفع انسداد هرمز و کاهش تنش‌ها در منطقه و ارتقای مناسبات با کشورهایی قدرتمند بین‌المللی نظیر چین، هند، روسیه و برزیل، همچنین سازمان‌های نوظهوری چون بریکس و شانگهای، از جمله پیآمدهای بروز بحران در منطقه غرب آسیا در سایه سیاست‌های انزواگرایانه و منفعت‌طلبانه آمریکا محسوب می‌شود؛ فرآیندی که تدریجاً به خاتمه نظام تک‌قطبی، کاهش وابستگی کشورهای عرب به ایالات متحده و ورود به عصر چندجانبه‌گرایی با ایفای نقش مضاعف قدرت‌های نوظهور در صحنه بین‌المللی منتهی خواهد شد؛ نظمی که در آن بر میزان همکاری کشورهای منطقه برای رفع چالش‌های موجود، بدون اتکا به نقش غالب آمریکا افزوده خواهد شد.

بیش از پیش نسبت به تداوم نزاع در منطقه و پیآمدهای آن بر امنیت انتقال انرژی نگران کرده‌است. نگرانی نسبت به ممانعت از انتقال نفتکش‌های سعودی از هر ۲ معبر در حالی است که ترامپ، در قامت متحد ریاض، مشتریان را به خرید نفت آمریکا تشویق کرده و با خرسندی به کار قرار داده؛ سیاستی که در آینده نزدیک به تضعیف افزایش درآمد شرکت‌های نفتی آمریکایی می‌نگرد.

۳- ناخرسندی ریاض نسبت به سیاست‌های توسعه‌طلبانه فتاویاهو

به موازات رویارویی سعودی با محور مقاومت، رژیم صهیونیستی به عنوان رقیب بالقوه سعودی‌ها، در سایه حمایت پنهان کاخ سفید، در مسیر ایجاد منطقه حائل در لبنان، سوریه و نوار غزه گام برداشته و تحقق ایده «اسرائیل بزرگ» را به عنوان وظیفه‌ای توراتی در دستور کار قرار داده؛ سیاستی که در آینده نزدیک به تضعیف موقعیت ریاض در منطقه منجر خواهد شد. مساله مذکور موجب شده ریاض با تردید به سیاست‌های واشنگتن در قبال تهران بنگرد و به منظور جلوگیری از برهم خوردن موازنه قوا به نف تل آویو، نسبت به رویکرد کلان آمریکا با ناخرسندی نگاه کند.

۴- گمانه‌زنی درباره تجزیه یمن و سرایت ناامنی به جنوب عربستان

وجه مشترک تهران، ریاض و صنعاء را می‌توان در دفاع از تمامیت ارضی یمن قلمداد کرد. ۲ رژیم صهیونیستی و ابوطیلبی با حمایت آشکار از جدایی‌طلبان جنوب یمن، در صدد تجزیه این کشورند. با تصرف مناطق ساحلی مشرف به دریای سرخ، عملاً نیروهای وفادار به سعودی به حاشیه رانده شده و جدایی‌طلبان جنوب دست بر تر را در عدن از آن خود کرده‌اند.

سوی دیگر نگرانی سعودی به پیآمدهای سربایت بحران به داخل این کشور بازمی‌گردد. بخش اعظم جمعیت نجران و مناطق جنوب سعودی، زیدی‌مسک بوده و از قرابت بالایی با انصارالله برخوردارند. ایجاد کشوری با اکثریت قریب به اتفاق شیعه در شمال یمن می‌تواند ساکنان زیدی آن سوی مرز را متأثر از همسایگان جنوب کرده و به بحرانی امنیتی برای ریاض تبدیل کند.

۵- ناآرامی پیمان مکه در دفاع از امنیت سعودی

عدم مشارکت ترکیه و پاکستان در حمایت نظامی از سعودی در مناقشه اخیر ریاض را می‌توان شکست زودهنگام پیمان دفاعی مکه قلمداد کرد. در واقع، پیمان مکه به دلایل محظوریات‌های ترکیه و پاکستان

آتش‌بس در جبهه جنوب - یمن - روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود با تهران را با میانجی‌گری چینی‌ها ترمیم کند. اکنون نه‌تنها تنش به هر ۲ جبهه سابق بازگشته و ایران و نیروهای مقاومت با انسداد تنگه‌های هرمز و باب‌المنندب مانع صدور نفت سعودی بنیادین سوق داده است، فرآیندی که می‌توان آن را طوفان الاقصی قلمداد کرد.

الف - چرا بحران حاکم بر منطقه سعودی‌ها را نگران کرده؟
از آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین همپیمان و متحد سعودی‌ها در طول ۹۴ سال اخیر نام برده می‌شود. درهم‌تندگی گسترده مناسبات فی‌مابین و نقش ویژه ریاض در پیشبرد مصالح واشنگتن در منطقه، به‌ویژه از زمان کلید خوردن پروژه ۲ ستونی ریچارد نیکسون، موجب شده بزرگ‌ترین وقایع نیز موجب گسست ریاض و واشنگتن از یکدیگر نشود. نقش غیرقابل انکار شهروندان سعودی در حادثه ۱۱ سپتامبر و همکاری گسترده نایف بن عبدالعزیز، مسؤول امنیتی سعودی‌ها با طرف آمریکایی در پرونده مذکور، تنها مصداقی از مناسبات مستحکم طرفین به حساب می‌آید. موضع حمایتی باراک اوباما از قیام‌های موسوم به بهار عربی در سراسر منطقه و عدم پشتیبانی کاخ سفید از متحدانی چون حسنی مبارک و زین‌العابدین بن علی را می‌توان نخستین تلنگر و عامل ایجاد تردید نسبت به سیاست واشنگتن در قبال حکومت‌های خودکامه عرب قلمداد کرد. لفاظی دولتمردان دموکرات دولت بایدن در برخورد با پرونده جمال خاشقجی، دومین رخدادی بود که طرف سعودی را نسبت به حمایت تمام‌عیار ایالات متحده از آنها دچار تشکیک کرد.

در چنین بستری، وقوع عملیات طوفان الاقصی و پیآمدهای نشأت‌گرفته از آن و حملات نظامی گسترده ائتلاف آمریکایی صهیونی به منطقه، به‌ویژه ۲ جنگ تحمیلی ۱۲ و ۴۰ روزه علیه تهران و واکنش سنگین نظامی جمهوری اسلامی در هدف‌گیری پایگاه‌ها و منافع آمریکا در شیخ‌نشین‌های منطقه، بیش از پیش رژیم سلطنتی سعودی و دیگر شیوخ منطقه را به تجدیدنظر در دکترین امنیتی و ایجاد توازن در سیاست خارجی سوق داده است.

تحمیل خسارات سنگین اقتصادی و امنیتی به سعودی در شرایطی رخ داد که آل سعود پیش از آن موفق شده بود در ۲ توافق امنیتی، ضمن برقراری

شده‌اند. ناتوانی بن‌سلمان در تأثیرگذاری بر تنش‌های حاکم بر منطقه، توأمان با بی‌اعتنایی رئیس دولت آمریکا به مطالبات ریاض، به میزان چشمگیری بر دامنه نگرانی رهبران ریاض افزوده و آنان را به سوی اتخاذ تصمیماتی بنیادین سوق داده است، فرآیندی که می‌توان آن را طوفان الاقصی قلمداد کرد.

الف - چرا بحران حاکم بر منطقه سعودی‌ها را نگران کرده؟

از آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین همپیمان و متحد سعودی‌ها در طول ۹۴ سال اخیر نام برده می‌شود. درهم‌تندگی گسترده مناسبات فی‌مابین و نقش ویژه ریاض در پیشبرد مصالح واشنگتن در منطقه، به‌ویژه از زمان کلید خوردن پروژه ۲ ستونی ریچارد نیکسون، موجب شده بزرگ‌ترین وقایع نیز موجب گسست ریاض و واشنگتن از یکدیگر نشود. نقش غیرقابل انکار شهروندان سعودی در حادثه ۱۱ سپتامبر و همکاری گسترده نایف بن عبدالعزیز، مسؤول امنیتی سعودی‌ها با طرف آمریکایی در پرونده مذکور، تنها مصداقی از مناسبات مستحکم طرفین به حساب می‌آید. موضع حمایتی باراک اوباما از قیام‌های موسوم به بهار عربی در سراسر منطقه و عدم پشتیبانی کاخ سفید از متحدانی چون حسنی مبارک و زین‌العابدین بن علی را می‌توان نخستین تلنگر و عامل ایجاد تردید نسبت به سیاست واشنگتن در قبال حکومت‌های خودکامه عرب قلمداد کرد. لفاظی دولتمردان دموکرات دولت بایدن در برخورد با پرونده جمال خاشقجی، دومین رخدادی بود که طرف سعودی را نسبت به حمایت تمام‌عیار ایالات متحده از آنها دچار تشکیک کرد.

در چنین بستری، وقوع عملیات طوفان الاقصی و پیآمدهای نشأت‌گرفته از آن و حملات نظامی گسترده ائتلاف آمریکایی صهیونی به منطقه، به‌ویژه ۲ جنگ تحمیلی ۱۲ و ۴۰ روزه علیه تهران و واکنش سنگین نظامی جمهوری اسلامی در هدف‌گیری پایگاه‌ها و منافع آمریکا در شیخ‌نشین‌های منطقه، بیش از پیش رژیم سلطنتی سعودی و دیگر شیوخ منطقه را به تجدیدنظر در دکترین امنیتی و ایجاد توازن در سیاست خارجی سوق داده است.

تحمیل خسارات سنگین اقتصادی و امنیتی به سعودی در شرایطی رخ داد که آل سعود پیش از آن موفق شده بود در ۲ توافق امنیتی، ضمن برقراری

یادداشت
ابوالفضل ولایتی

در حالی که تنها یک هفته تا برپایی جشن‌های نود و چهارمین سالگرد تأسیس پادشاهی سعودی و تسلط ملک عبدالعزیز بن عبدالرحمن آل سعود بر سراسر حجاز باقی مانده، حاکمان ریاض با بزرگ‌ترین چالش فراگیر و چندجانبه سیاسی - امنیتی تاریخ خود مواجه شده‌اند؛ بحرانی که برخلاف ادوار پیشین، رژیم سعودی نقش محدودی در تحقق آن داشته است. تاریخ ۹ دهه‌ای حکمرانی آل سعود بر شبه‌جزیره مملو از تنش‌های متعدد امنیتی بوده است؛ ایفای نقش مستقیم امنیتی ریاض در بحبوحه جنگ سرد در اسلامی در ایران بر سراسر شبه‌جزیره و نقش مستقیم سعودی، تصرف مسجدالحرام توسط نیروهای وفادار به جیهیمان العتیبی در نوامبر ۱۹۹۰ و گروگان‌گیری حجاج، حملات موشکی رژیم یمن به سعودی در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی، پیآمدهای وقوع انقلاب اسلامی در ایران بر سراسر شبه‌جزیره و نقش مستقیم اتباع سعودی در حملات ۱۱ سپتامبر، تنها بخشی از تاریخ پر فراز و نشیب سعودی‌هاست. با این حال، برخلاف تصور شماری از ناظران منطقه مبنی بر تبدیل سعودی به مرکز ثقل ثبات و امنیت غرب آسیا به‌ویژه پس از قدرت‌گیری محمد بن‌سلمان در تصویرسازی مثبت از وی به عنوان ناجی و پیش‌قراول عبور سعودی از حکومتی واپس‌گرا به سوی حکومتی مدرن، تحولات امنیتی ناشی از عملیات طوفان الاقصی و اقدامات ماجراجویانه و توسعه‌طلبانه صهیونیست‌ها، لاجرم و به شکلی ناخواسته گریبان ثبات و امنیت سعودی را گرفته و سعودی‌ها را به بزرگ‌ترین بازنده منازعه حاکم بر منطقه تبدیل کرده است.

در حالی که ۳ سال از وقوع عملیات ۷ اکتبر می‌گذرد، منطقه غرب آسیا شاهد رویارویی بلوک محور مقاومت و دشمن صهیونیست است. در این چارچوب، دولتمردان سعودی که در طول دهه‌های متمادی به عنوان حاکمانی محافظه‌کار شناخته شده‌اند و نگرشی عمدتاً منفی به جمهوری اسلامی و متحدانش داشته و تلویحاً با نگرانی به سیاست‌های جاه‌طلبانه صهیونیست‌ها به‌ویژه نتایج و نگرستانه‌اند، از تبعات امنیتی بحران‌های حاکم بر منطقه مصون نمانده و بیش از هر دولتی متحمل خساراتی جبران‌ناپذیر